



**تهدید پزشکیان به برکناری و محاکمه**

از همان دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و حضور محمدجواد ظریف در تیم تبلیغاتی مسعود پزشکیان حمله اصولگرایان تندرو چه در فضای رسانه‌ای و چه در جامعه آغاز شد؛ پس از آن هم وقتی پزشکیان ظریف را به‌عنوان رئیس شورای راهبری دولت چهاردهم در انتخاب وزرای پیشنهادی معرفی کرد، حمله‌ها و البته تهدیدها بیشتر و بیشتر شد و این دور گرفتن‌ها از ابتدای دولت چهاردهم تنها آن زمان که متن گلايه‌مندان و استعفاي ظریف درباره اسامی وزرا منتشر شد، کمی فروکش کرد. در نهایت اما با بازگشت ظریف به تیم دولت چهاردهم و منصوب‌شدن در جایگاه معاون راهبردی رئیس جمهوری توپخانه این جریان علیه او و پزشکیان را از پیش هم فعال تر کرد. این جریان به هر بهانه‌ای و از هر تریبونی برای تخطئه پزشکیان و ظریف بهره بردند و این روزها علاوه بر موضوع برجام و تصمیمات تیم مذاکره‌کننده برای احیای آن در دوران سکانداری ظریف بر وزارت خارجه، درباره تابعیت دوگانه او بحث‌هایی را در پیش گرفتند. گرچه ظریف توضیح مفصلي در این زمینه داد و اعلام کرد که استعلام‌هایش برای معاونت از سوی دستگاه‌های مختلف مثبت بوده است اما در پی ترورهای که اسرائیل انجام داد ابتدا در کنار نیش و کنایه‌ها به دولت اسم ظریف هم به‌عنوان چهره اثرگذار بر کنشسی که به‌زعم آنها منفعلانه بود، مطرح شد و پس از آن هم که پاسخ موشکی ایران به اسرائیل اتفاق افتاد و این بیانه از دست‌شان گرفته شد، بار دیگر و بدون توجه به پاسخ‌های داده‌شده به غیرقانونی بودن انتصاب ظریف ورود کرده و دست به تهدید دولت و رئیس جمهوری زده‌اند. نمونه‌اش سخنان روز گذشته کامران غضنفری، نماینده مجلس و عضو جبهه پایداری است که یید طولانی در اظهارنظرهای عجیب و تندروانه دارد و بیشتر هم حسن روحانی را متهم کرده بود که «او اطلاعاتی درباره هوایمی اوکراینی به آمریکا داده است». غضنفری حالا در گفت‌وگو با اقتصاد ۱۲۰ صریح کرد: «وقتی آقای پزشکیان با علم به قانون، برای آقای ظریف که دو فرزندش تابعیت آمریکا را دارند، حکم معاونت راهبردی رئیس‌جمهور را صادر می‌کند، یعنی آشکارا مرتکب یک جرم می‌شود. نمایندگان مجلس چندبار شش‌دار و تذکر دادند که کار شما خلاف قانون است. ظریف نیز با انتشار یک توییت وانمود کرد که استعفا داده در صورتی که استعفايي در کار نبود و ایشان فیلم بازی کرد، پس از رای کابینه هم با خوشحالی متنی منتشر کرد که «من بر سر کارم برنشتم».

وی در ادامه افزود: «ادعای حل شدن این مسئله در جلسه سران قوا کذب است، اصلاً سران قوا چنین اختیاری ندارند که عملی معیار قانون انجام دهند. در مجلس درباره این موضوع به پزشکیان اخطار می‌دهیم که اگر هر چه سریع‌تر این حکم غیرقانونی را لغو نکند، به دستگاه قضایی شکایت خواهیم کرد. در این صورت پزشکیان باید در دادگاه جواب دهد که مسلماً هیچ جوابی ندارد و به ۵ تا ۱۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می‌شود، اگر چنین اتفاقی بیفتد عملاً آقای پزشکیان از ریاست جمهوری خلع می‌شود.» طی همه این روزها واکنش‌هایی نسبت به این ادعا درباره ظریف مطرح شده است؛ حالا هم درباره سخنان غضنفری، احمدزیدآبادی، نویسنده و تحلیلگر سیاسی به این نماینده و پیگیران حذف ظریف پاسخ جامع و قابل تأملی به کنایه داده است. او در یادداشتی تلگرامی با عنوان «شتاب کنید که حاجت به استخاره نیست!» نوشت: «به نظرم آقای غضنفری و دوستانش بهتر است تعلل را کنار بگذارند و هر چه زودتر این کار را انجام دهند، چون در آن صورت حداقل سه مشکل حل خواهد شد. مشکل اول اینکه، پزشکیان از عذاب حرکت بر روی میدان مین پاستور نجات پیدا می‌کند و بقیه عمرش را با خیال راحت به آشامیدن آب خنک در گوشه دنج یک زندان سپری می‌کند. دوم اینکه، شهروندانی که در انتخابات اخیر به او رای داده‌اند، از زیر بار فشار روانی این همه سرزنش و متلک و بدگویی و ناسازی اطرافیان خود خلاص می‌شوند و نفسی تازه می‌کنند. سوم اینکه، چون بحران در خاورمیانه به نقطه اوج خود نزدیک می‌شود، بسیاری از مردم علاقه‌مندند دولت تحت کنترل کامل آقای غضنفری و دوستانش باشند تا ببینیم پس از آن همه شعارهای کرکند، چه چیزی در آستین دارند که آن را رو کنند! بنابراین توصیه‌ام این است: در کاری که وعده آن را داده‌اند، شتاب کنند که گفته‌اند در امر خیر نه درنگ جایز و نه حاجت به استخاره است!»

# دانشگاه از بنی‌صدر تا پزشکیان

## مواجهه رؤسای جمهور پس از انقلاب با اعتراضات دانشجویان



**منصوره محمدی**  
خبرنگار گروه سیاست

حضور دانشجویان در رخداد‌های سیاسی تاریخ معاصر ما نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز داشته و تعامل با آنها همواره دغدغه حاکمان رؤسای جمهور بوده است. در کشور ما هم چه پیش از انقلاب و سال‌های اولیه ایجاد دانشگاه در ایران، رضاشاه و محمدرضا پهلوی از تحركات دانشجویی هراس داشتند و چه پس از انقلاب که در دولت‌های مختلف، تعامل با دانشجویان دغدغه رؤسای‌جمهور بوده است. یرواند آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» به یکی از چشمگیرترین تحركات اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران اشاره می‌کند که دانشجویان دانشکده حقوق در اعتراض به هزینه‌های پیهوده برای آماده ساختن دانشگاه جهت بازدیدو لبعهد، در کلاس‌های درس حاضر نشدند. به دنبال این حرکت و برخی اعتراضات دیگر، در همان سال ۲۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه بازداشت و یکی از آن‌ها اعدام شد و این یکی از نخستین بر خورد‌های سخت دانشجویی حکمرانان با دانشجویان بود. نگرانی پهلوی‌ها از دانشجویان بیراه نبود، آنها مبدأ تغییرات بودند، در اتفاقات سال ۱۳۳۲ مبارزه علیه استعمار انگلیس در جریان ملی شدن صنعت نفت و ماجراهای روز ۱۶ آذر که به نامگذاری همین روز به روز دانشجو و اجتامید، چند نمونه از دلایل نگرانی از گسترش فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در دانشگاه بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز فضای دانشگاه‌ها بسیار سیاسی و پرشور بود، شاید بتوان گفت بیشترین تاثیر دانشجویی را در دوران دولت موقت دانشجویان داشتند. دانشجویانی که کاملاً همسو با حکومت تازه شکل گرفته حرکت می‌کردند و در همان دوران بود که دانشجویان پیرو خط امام از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند. ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور بعد از انقلاب پس از دولت موقت، به‌صورت مستقیم با دانشجویان و درباره مسائل آنها دیداری در دانشگاه ترتیب نداد، اما دیدار مردمی خود را در دانشگاه تهران برگزار کرد (۱۴ اسفند ۵۹) دیداری که به محل منازعه‌موافقان و مخالفان اوتبدیل شد.

### ▼ مدینه گفتی و کردی کبابم

در دولت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان به دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، تربیت‌مدرس، صنعتی شریف و علم و صنعت رفتند. آیت‌الله خامنه‌ای پیش از رسیدن به جایگاه ریاست جمهوری، از سوی امام به عنوان نماینده وی در دانشگاه تهران انتخاب شد و دیدارهای هفتگی با دانشجویان داشت، دیدارهایی که پس از رسیدن او به ریاست جمهوری از قالب هفتگی خارج شد اما همچنان ادامه داشت. در یکی از دیدارهای دانشجویی گفته بودند: «کاش می‌شد هفته‌ای یکبار باشد مثل سابق، ولی نمی‌شود... همان طور که می‌دانید این جلسه برای این هم نیست که فقط من به شما بگویم، بلکه وضع پاسخ به سوالات معنایش همین است که در حقیقت گفت‌وگو، طرفینی است؛ و سخن شما را هم من اینجا بدون روپوش و بدون هیچ‌گونه تردیدی و طبقه‌بندی‌ای از برادرهایی که بنیاست جمع کنند این حرف‌ها را ایستنی بشنوم و همان را مطرح کنم.»

در یکی از جلساتی که با دانشجویان دانشگاه تهران داشت، دانشجویی از او پرسید که داشتن چند مسئولیت با هم منجر به کم‌توجهی به مسائل می‌شود، چرا چندین مسئولیت را پذیرفته‌اید؟ ایشان در واکنش به این سوال می‌گویند: «یک بیت عامیانه‌ای هست که رایج است توی زبان‌ها، می‌گویند: «مدینه گفتی و کردی کبابم!» این یک واقعیت است... و من امیدوارم که حرکت عمومی دستگاه‌های دولتی ما جوری باشد که ما به اینجا برسیم، افراد را پیدا کنید، مسئولیت‌ها را به آن‌ها بسپاریم و هر کسی یک شغل داشته باشد. در مورد مشاغل من که می‌فرمایید، من مشاغل بعضی‌اش قانونی

است: رئیس‌جمهور، عضو شورای عالی دفاع است، طبق قانون اساسی. بنده هیچ وقت خودم استقبال نمی‌کردم یا دواطلب نبودم که من رئیس شورای عالی دفاع باشم اما غیر از این امکان نداشت، غیر از این ممکن نمی‌شده، چون رئیس‌جمهور به‌طور طبیعی رئیس قوهی مجریه است و شخصی اول مملکت بعد از مقام رهبری است طبق قانون اساسی، و این ایجاب می‌کند که در یک جمعی که همه نشستند او رئیس باشد، دیگری رئیس باشد کار آن رئیسی که غیر از رئیس‌جمهور است مختل خواهد شد؛ یعنی اونمی تواند کار لازم‌رادر این مورد انجام بدهد.» ایشان پس از برخی اتفاقات مهم کشور نیز در دانشگاه‌ها حاضر می‌شدند و به سوالات دانشجویان پاسخ می‌دادند. برای نمونه در روزهای پس از عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری در فروردین ۱۳۶۸، با حضور در یکی از دانشگاه‌های تهران، به چند سوال پیرامون «آیت‌الله منتظری و دلیل برکناری ایشان» پاسخ دادند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای)

ایشان در سال ۶۶ نیز در دانشگاه شهید بهشتی حاضر شد و در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان مبنی بر اینکه آیا دانشجویان باید سیاسی کار کنند و سیاسی کاری چیست؟ اینگونه گفتند: «سیاسی کاری یک تعبیری است که یک وقتی بنده کردم. چند سال قبل از این، یک عده دانشجوی آمده بودند پیش من، من گفتم که معتقد هستم شماها کار سیاسی کنید اما سیاسی کاری نکنید. این برادر در خواهری که این را نوشته‌اند، نظر به آن حرف من دارند یا چیز دیگری می‌خواهند بگویند؟! من که آن وقت گفتم، مقصودم این بود که کار سیاسی و تلاش سیاسی بکنید اما مودی‌گری سیاسی نکنید. چنانکه در گروه‌های سیاسی و احزاب سیاسی و باند‌های سیاسی معمول است، علیه هم می‌زند، مودی‌گری می‌کنند، کارشکنی می‌کنند، از این بد می‌گویند، از آن غیبت می‌کنند، توطئه می‌کنند، این‌ها جزو کارهایی است که بین گروه‌های سیاسی و سزایان‌های سیاسی و احزاب سیاسی کارهای رایجی است. دانشجو پاک‌تر از این حرف‌هاست. فضای دانشجویی و تلاش دانشجویی، عزیزتر و باصفا تر از این حرف‌هاست که در سیاسی کاری بیفتد. اگر مقصود آن جمله است که من گفتم، مقصود من این بود؛ اما کار سیاسی را ما حتماً تأیید می‌کنیم که دانشجویان انجام بدهند.» (سایت روشنی‌خورشید)

### ▼ بیگانه با دانشجویان منتقد

هاشمی‌رفسنجانی هم‌زمان با پایان جنگ به ریاست جمهوری رسید و در دولت سازندگی خود تلاش کرد تا با توسعه زیرساخت‌ها کشور را از شرایط جنگی خارج کند و به همین دلیل معتقد بود که باید اولویت اول در کشور سازندگی ویرانی‌های جنگ باشد. رابطه او با جریان‌های منتقد در دانشگاه چندان خوب نبود. دفتر تحکیم وحدت، شاخص‌ترین جریان دانشجویی مخالف‌های هاشمی‌رفسنجانی بود که از همان ابتدا انتقادات خود را به دولت هاشمی ابراز می‌کرد. در یکی از بیانیه‌هایی که به مناسبت ۱۳ آبان سال ۶۸ منتشر کرد، به رویکرد دولت نسبت به آمریکا انتقاد و معتقد بود که باید شعار مرگ بر آمریکا لقب زبانه دولتمردان باشد. اما انتقادات و بیانیه‌های این تشکل دانشجویی معروف چندان مورد پسند هاشمی‌رفسنجانی نبود. تشکل دانشجویی دفتر تحکیم وحدت که مسئولیت برگزاری مراسم روز ۱۳ آبان را برعهده داشت، در سال ۷۲ با معانعت وزارت کشور دولت هاشمی نتوانست مجوز برگزاری این مراسم را دریافت کند و آنها نیز برنامه راهپیمایی را لغو کردند. علی شکاری، یکی از اعضای این تشکل در آن دوران درباره دلیل انتقادات دفتر تحکیم وحدت به هاشمی‌رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری‌اش اینگونه



**تاریخ سیاست**



می‌گوید: «راویه پیدا کردن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با جناح چپ بر سر بیانیه معروف به دوران بازسازی بود. این بیانیه ده‌بندی به مذاق ما دانشجویان هم خوش نیامد. متن بیانیه به گونه‌ای بود که گویی قرار است به دوران جنگ پشت شود و وارد دوران رفاه شود. هاشمی معتقد بود مصرف محرک تولید و توسعه است و لذا باید مصرف در کشور افزایش یابد. ایشان اما به منابع ارزی کشور توجهی نداشت. ماولی بر این باور بودیم که ریاضت‌های دوران جنگ باید ادامه داشته باشد تا زیرساخت‌های آسیب‌دیده کشور درست شود و بعد از آن شعار رفاه داد. چون شعار رفاه دادن بلافاصله بعد از پایان جنگ، نشانه‌ای بود بر افزایش شکاف طبقاتی. بیشتر دانشجویان هم چپ‌گرا و از افزایش شکاف طبقاتی ناخشنود بودند. ولی آقای هاشمی پذیرفته بود که این فاصله طبقاتی ایجاد شود. همین سبب انتقاد دانشجویان از سیاست‌های او شد.»

مهدی عرب‌شاهی، از فعالان سابق دانشجویی نیز درباره رابطه هاشمی‌رفسنجانی با دانشجویان دانشگاه اینگونه می‌گوید: «در دوره ریاست جمهوری هاشمی، رابطه هاشمی با جریان دانشجویان منتقد و حالا آنچه که ما جنبش دانشجویی می‌نامیم، به هیچ وجه خوب نبود. یعنی دانشجویانی که وجه انتقادی دارند، با دولت هاشمی درگیری‌های مداوم داشتند و حتی هاشمی تلاش کرد به نوعی جریان‌های موازی بسازد، جریان‌هایی که همان‌ها هم بعداً تبدیل به منتقدانش شدند و می‌بینیم حتی در آن زمان این تصور بود که آقای [آیت‌الله] خامنه‌ای بیشتر مسائل است که دانشگاه‌ها سیاسی باشند و هاشمی‌رفسنجانی و تیم او اصلاً چنین تمایلی نداشت. دانشجویان هم با یک نگاه عدالت‌محور سیاست‌های دولت هاشمی را نقد می‌کردند و فکر می‌کردم در آن دوره اصلاً رابطه خوبی بین دانشجویان منتقد و دولت هاشمی وجود نداشت.» عرب‌شاهی معتقد است رابطه هاشمی‌رفسنجانی با دانشجویان بعد از دوران ریاست جمهوری‌اش خوب شد و می‌گوید: «بعد از ریاست جمهوری هر چقدر که از قدرت فاصله گرفت و به نوعی خود او راویه پیدا کرد، هم نگاهش به جریان‌های مدنی تغییر کرد و هم نگاه جریان‌هایی مثل جنبش دانشجویی به هاشمی تغییر کرد و قضاوتی که در سال ۷۶ نسبت به هاشمی بود در سال ۸۸ وجود نداشت.»

هاشمی‌رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود یک‌بار به مناسبت ۱۶ آذر در سال ۷۳ در جمع دانشجویان بسیجی دانشگاه علوم پزشکی حاضر شد، اما این دیدار نه در دانشگاه که در ورزشگاه آزادی انجام شد. مروری بر خاطرات او در روزهای دانشجویانشان می‌دهد مناسبات روز دانشجو و ۱۶ آذر چندان مورد توجه وی نبوده است. در خاطرات ۱۶ آذر سال ۷۱ و سال ۷۲ هیچ اشاره‌ای به گرمیاداشت این روز نداشته است، در خاطرات ۱۶ آذر ۷۳ به حضور در ورزشگاه آزادی و دیدار با دانشجویان اشاره کرده است: «از منزل به ورزشگاه آزادی رفتم، به مناسبت روز دانشجو، دانشجویان بسیجی علوم پزشکی اجتماع داشتند. حدود ده هزار نفر بودند و اجتماع باشکوهی بود. نصف آنها را دختران تشکیل می‌دادند. آقایان دکتر [علیرضا] مردی، [اوزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] و [سرتیپ] [علیرضا] آفشار، [فرمانده نیروی مقاومت بسیج]، خیرمقدم گفتند. من هم درباره اهمیت دانشگاه و بسیج و تحصیل زنان صحبت کردم.» در خاطرات ۱۶ آذر ۷۴ نیز خاطره‌ای از روز دانشجو به چشم نمی‌خورد، در سال ۷۵ دانشجویان دانشگاه امام محمدباقر (ع) به دیدار او رفتند: «دانشجویان دانشگاه [امام محمدباقر (ع) وابسته به وزارت] اطلاعات آمدند. آقای [علی] فلاحیان، [اوزیر اطلاعات] و آقای راستگو، رئیس دانشگاه، گزارش دادند. هزار فارغ‌التحصیل و هزار دانشجو دارند و از سایر ارگان‌ها هم برای